

۲۱۹۷۱۵۹
۲۱۹۷۱۵۹

شرط ذکورت در قضای اسلامی

مؤلفین:

سیده عالیہ علوی

عصمت سوادى

حمیدہ نوروز پور



انتشارات آریا دانش

دی ماه ۱۳۹۹

www.ketab.ir

سرشناسه	: علوی، عالیه، ۱۳۴۵ -
عنوان و نام پدیدآور	: شرط ذکورت در قضای اسلامی / مؤلفین سیده عالیه علوی، عصمت سوادى، فاطمه نوروزپور.
مشخصات نشر	: تهران: آریا دانش، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۱۹۷ ص.
شابک	: ۹۷۸۶۲۲-۷۴۹۲-۹۳-۴-۳۰۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۱۶۵ - ۱۷۷.
موضوع	: زنان قاضی (فقه)
موضوع	: Women judges (Islamic law)
موضوع	: قضاوت (فقه)
موضوع	: Judgment (Islamic law) *
موضوع	: قضاوت -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
موضوع	: Judgment -- Religious aspects -- Islam
موضوع	: زنان قاضی -- ایران
موضوع	: Women judges -- Iran
شناسه افزوده	: سوادى، عصمت، ۱۳۴۰ -
شناسه افزوده	: نوروزپور، فاطمه، ۱۳۷۴ -
رده بندی کنگره	: ۱/BP1۹۵
رده بندی دیویی	: ۳۷۵/۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۷۵۴۸۵۹۰
وضعیت رکورد	: فیپا

هر گونه تکثیر کامل یا قسمتی از کتاب بدون اجازه پدیدآورنده، ناشر خلاف قانون، شرع و اخلاق است. موارد تخلف را به دفتر مرکزی "انتشارات آریا دانش" گزارش فرمایید.

عنوان: شرط ذکورت در قضای اسلامی

مؤلفین: سیده عالیه علوی، عصمت سوادى، حمیده نوروز پور

صفحه آرا: مهدی رادمهر

ناشر: آریا دانش

شمارگان: ۱۵ نسخه چاپی و چاپ الکترونیک ☼ نوبت: اول - دی ماه ۱۳۹۹

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۴۹۲-۴۱-۵

شابک الکترونیک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۴۹۲-۹۴-۱

قیمت: ۴۰۰۰ تومان

مرکز پخش: تهران، میدان انقلاب، خیابان آزادی، خیابان بهزاد، پلاک ۳۲ واحد ۱۴ تلفن ۸۸۵۶۲۲۷۳

www.ariyadanesh.ir

حق چاپ جهت ناشر محفوظ است

فهرست مطالب

۱	فصل اول: قضا
۲	مبحث اول:
۲	قضا در لغت
۵	آیا لفظ قضا، مشترك لفظی است بین معانی ذکر شده؟
۷	مبحث دوم:
۷	قضا در اصطلاح
۸	۱- تعریف قضا به حکم کردن یا فصل خصومت؛
۹	۲- تعریف قضا به ولایت یا الزام بر حکم؛
۱۰	استعمال ولایت در تعریف قضا؛
۱۱	تفاوت میان دو تعریف اخیر؛
۱۲	تحقیق در مسأله؛
۱۳	مبحث سوم
۱۳	تاریخچه قضا؛ نخستین قاضی
۱۵	مبحث چهارم:
۱۵	فرق بین قضا و فتوی؛
۱۷	مبحث پنجم:
۱۷	فرق بین قاضی، مجتهد، فقیه و مفتی
۱۸	مبحث ششم:
۱۸	نوع وجوب قضا؛
۲۱	فصل دوم: قضا و اقسام آن
۲۲	مبحث اول:
۲۲	اقسام قضا:
۲۲	سؤالاتی چند پیرامون قاضی تحکیم؛
	آیا مشروعیت قاضی تحکیم، مختص به زمان حضور امام علیه السلام است؟ یا در زمان غیبت نیز جاریست؟
۲۳	
۲۴	ادله مشروعیت قاضی تحکیم چیست؟
۲۴	۱. کتاب
۲۴	۱ - ۱ ادله امر به معروف و نهی از منکر
۲۴	۱ - ۲ ادله وجوب قضا به عدل و قسط

۲۵	۱ - ۳ آیه نشوز:
۲۶	۲ - سنت
۲۶	۲ - ۱ روایاتی که بر وجوب اقامه قسط و عدل دلالت دارند.
۲۶	۲ - ۲ روایت عمر بن حنظله
۲۸	۲ - ۳ روایت ابی شریح؛
۲۹	۲ - ۴ روایت ابی خدیجه سالم بن مکرم الجمال از امام جعفر صادق علیه السلام :
۲۹	۲ - ۵ حدیث نبوی؛
۳۰	تحقیق حول دلایل:
۳۰	آیا رضایت طرفین منازعه قبل از صدور حکم، نسبت به حکمیت قاضی شرط است؟
۳۱	آیا رضایت مترافین به حکم قاضی تحکیم بعد از صدور حکم ایشان نیز شرط است؟
۳۱	آیا طرفین دعوی می‌توانند از رأی قاضی تحکیم به دادگاه شکایت نمایند؟
۳۳	آیا شرایط قاضی تحکیم همان شرایط قاضی منصوب است؟
۳۵	مبحث دوم:
۳۵	فرقهای میان قاضی منصوب و قاضی تحکیم:
۳۷	فصل سوم: قاضی و شرایط آن
۳۸	شرایط قاضی:
۳۹	بلوغ
۳۹	الف در لغت:
۳۹	ب در اصطلاح فقه و حقوق:
۴۰	ادله اعتبار بلوغ برای قاضی
۴۰	دلیل اول
۴۱	نقد و بررسی دلیل اول:
۴۱	دلیل دوم؛
۴۱	نقد دلیل دوم:
۴۱	دلیل سوم: کتاب و سنت:
۴۲	نقد دلیل سوم؛
۴۲	دلیل چهارم، اصل؛
۴۲	نقد دلیل چهارم؛
۴۲	دلیل پنجم: اجماع؛
۴۳	نقد دلیل پنجم:
۴۳	تحقیق در مسأله:

۴۳	عقل:
۴۴	الف: معنای لغوی
۴۴	ب: معنای اصطلاحی
۴۴	ضرورت شرط عقل در قضا
۴۵	ادله اعتبار عقل:
۴۵	اقسام جنون:
۴۶	اسلام:
۴۸	ادله و مستندات اعتبار شرط اسلام در صحت قضا:
۴۸	۱. کتاب؛
۴۹	۲. سنت؛
۵۰	۳. اجماع؛
۵۰	۴. عقل؛
۵۱	ایمان
۵۱	الف: معنای لغوی؛
۵۱	ب، معنای اصطلاحی؛
۵۳	ادله اعتبار ایمان در صحت قضا؛
۵۴	نقد و بررسی ادله مذکور:
۵۵	۲. اجماع؛
۵۵	نقد و بحث پیرامون دلیل اجماع؛
۵۶	۳. اصل؛
۵۶	نقد و بررسی دلیل اصل
۵۷	ضرورت فقه
۵۷	- شرط بودن اسلام؛
۵۸	عدالت؛
۵۸	الف، معنای لغوی؛
۶۰	ب، معنای اصطلاحی؛
۶۲	مستندات فقهها در شرطیت عدالت قاضی:
۶۲	۱ - کتاب؛
۶۴	۲ - سنت؛
۶۶	۳ - اجماع؛
۶۶	۴. عقل؛

۶۷	۵. قیاس اولویت؛
۶۷	۶. اصل؛
۶۸	ذکورت
۶۸	مبحث اول: تعریف ذکورت؛
۶۹	فلسفه نقد و بحث پیرامون شرط ذکورت؛
۷۱	نظر فقها در شرطیت یا عدم شرطیت ذکورت در قضا؛
۷۲	نظر فقهای شیعه در شرطیت یا عدم شرطیت ذکورت در قضا؛
۷۲	ادله قائلین بر اشتراط ذکورت در قضا؛
۷۲	۱. کتاب
۸۱	۲. سنت
۹۷	علت نکوهشهای نهج البلاغه راجع به زن؛
۱۱۳	۳- قیاس اولویت.
۱۱۳	نقد و بررسی؛
۱۱۴	۴- اجماع؛
۱۱۶	نقد و ارزیابی استدلال به اجماع؛
۱۲۰	۵ - اصل؛
۱۲۳	طهارت مولد
۱۲۴	۱. اجماع؛
۱۲۵	نقد اجماع؛
۱۲۵	۲ - قیاس اولویت؛
۱۲۶	نقد قیاس اولویت؛
۱۲۶	۳ - تنفر طبع نفوس
۱۲۶	نقد دلیل؛
۱۲۷	۴. اصل؛
۱۲۷	نقد دلیل اصل؛
۱۲۸	اجتهاد
۱۲۸	مبحث اول: تعریف اجتهاد
۱۲۸	الف: معنای لغوی؛
۱۲۸	ب، معنای اصطلاحی
۱۳۰	مبحث دوم؛
۱۳۰	مستندات قائلین شرطیت اجتهاد؛

بسم الله الرحمن الرحيم

«لقد ارسلنا رسلنا بالبينات و انزلنا معهم الكتاب و الميزان ليقوم الناس بالقسط»

(حدید، ۲۵)

مقدمه

بهترین ستایش و نیایش از آن خداوندی است که کاخ عالم وجود را براساس اتقان و استحکام برافراشت و عالم مُلک و ملکوت و خلق را استوار و متین بیافرید و به هر موجودی، آنچه طبق مصلحت و حکمت بود، عنایت کرد؛ و آن را در پیمودن راه کمال و حرکت به سوی هدف و موطن اصلی راهنمایی کرد.

از میان همه آفریدگان، انسان را برگزید و به خلعت علم مزین نمود؛ مرد و زن را به قوی و استعداد لازم و آلات و اسباب مورد نیاز آنها، مجهز ساخت؛ تا تمام استعدادهای خود را به مقام فعلیت درآورند؛ و به کمال نایل آیند. و شکر و سپاس پروردگاری که بهترین و شایسته‌ترین افراد یعنی یگانه شمس آسمان نبوت، حضرت نبوی ﷺ و ولی و وصی بلافصلش، حضرت علوی علیهِ السلام و اهل بیت و ذریه طاهرینش بالاخص وجود مقدس حضرت حجت، مهدی آل محمد علیه الصلوٰه و السلام را برای هدایت و ارشاد خلق برگزید.

بعثت پیامبر عظیم الشان اسلام ﷺ، طلوع انفجار نوری بود، که روان‌های خفته را حیاتی تازه بخشید؛ و عقول و اندیشه‌ها را به تفکر و حرکت واداشت؛ و پرچم توحید و یکتاپرستی را در برابر شرک و بت پرستی برافراشت؛ و فرهنگ جاهلیت، در برابر پیام‌های حیات بخش قرآن کریم به هزیمت رفت. قرآن با محتوی و جاذبه خیره کننده‌اش، انظار جهانیان را بخود جلب نمود؛ و به جامعه بشریت نوید پیروزی حق بر باطل؛ و غلبه عدل بر ظلم؛ و چیره شدن روشنائی‌ها بر تاریکی‌ها را سرداد و همچون نوری، زوایای تاریک تفکرات بشری را روشن ساخت.

کتاب آسمانی ما، شامل ژرفترین و بلندترین معارف؛ و والاترین و ارزشمندترین دستورات اخلاقی؛ عادلانه‌ترین و استوارترین قوانین حقوقی - جزائی؛ و حکیمانه‌ترین مناسک عبادی؛ احکام فردی و اجتماعی؛ و سودمندترین مواظ و اندرزها؛ و آموزنده‌ترین نکات تاریخی؛ و سازنده‌ترین شیوه‌های تعلیم و تربیت؛ و در یک جمله تمامی اصول مورد نیاز بشر برای سعادت دنیا و آخرت را، دربردارد.

با رحلت پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ چراغ هدایت و سعادت در دستان ائمه اطهار علیهِ السلام قرار گرفت و آنان تلاش گسترده‌ای را جهت تبیین و تشریح ابعاد مختلف اسلام و قرآن، آغاز نمودند. و با حاکمیت جریانات انحرافی و سیطره آنها، بر فرهنگ عمومی اسلام مبارزه نموده؛ و مسلمانان را با معارف بلند اسلامی و تفسیر قرآن و احکام اسلام، آشنا؛ و شخصیت‌هایی را پرورش دادند؛ که هر کدام از آنها فقهای بلند منزلت و راویانی بلندپایه بودند؛ و تنها امام صادق علیهِ السلام، در مدت امامت خود چهار هزار نفر را در علوم گوناگون تربیت کرد؛ و شخصیت‌های بزرگی را به جهان اسلام تحویل داد.

تاریخ بیش از هزار کتاب فقیهان راستین اسلام، که فقه غنی و پر بار شیعه را به ارمغان آورد؛ همواره با

مجاهدت، شکنجه و آزار، فقر و تهیدستی و تلخیهای بسیار، همراه بوده است. عالمان شیعی، همواره با تلاش و اجتهادشان، شعر ایثار و شهادت سرودند؛ و با قدرت عشق و ایمان، مشعل فقاقت و اجتهاد را در تمام اعصار، پر فروغ و تابان، فراروی نسلها، پاس داشتند.

افزون بر این، بسیاری از آنان، پیوسته حرکت‌های اصلاح طلبانه و احیاگر را نیز راهبری کردند؛ و همزمان با مرزبانی علمی، از فرهنگ اصیل اسلام و ایمن نگاهداشتن از دستبرد و هجوم راهزنان دین، به تلاش و جهاد برای محو مفاسد و بی‌عدالتیها در سایه تحقق احکام الهی پرداختند. با نظر به کتب فقهی، درمی‌یابیم مسایل فقه؛ قبل از شیخ طوسی به آنچه در روایات آمده بود، محدود می‌گشت. اما وی برحسب نیاز مردم، به احکام و فروع فقهی جدید، آن را بسط داد؛ و کتاب مبسوط را نگاشت. در دوره‌های بعد نیز فقیهان با تحقیقات و اجتهاد جدید بر مسایل فقه افزودند به‌طوری که در زمان صاحب جواهر، یک دوره فقه، افزون بر چهل جلد کتاب تدوین گردید. شیخ انصاری نیز مبانی و مسایل جدیدی را بر همین اساس در فقه پایه‌ریزی کرد و به بسط آن پرداخت.

بی‌شک، اسلام مکتبی کامل و جامع است، قانون‌گذاری در اسلام با احاطه و نگرشی عمیق از انسان صورت پذیرفته و به همه ابعاد وجودی وی توجه و برای همه نیازمندیهای انسان حکم و برنامه آورده است. لذا در طول تاریخ، تحول و تکامل جامعه انسانی و روابط اجتماعی و پیدایش پیشامدها و رفتارهای جدید در عرصه پر گستره زندگی، فقیهان را بر آن داشت که برای کسب احکام جدید و شناخت جایگاه دینی آنها به تعمق و تعقل اجتهادی دست یازند و به گسترش دامنه فقه بپردازند.

عنصر اجتهاد، همواره، نقش شگرفی در پویایی فقه داشته و این عنصر است که قدرت بالندگی به فقه بخشیده است. توانایی فقه، برای سیر و حرکت با جریان و تحول زمان و پاسخگویی به حوادث جدید نیز با نیروی همین عنصر، تأمین می‌شود. همان‌گونه که فقیهان پیشین، نگاه فقه را بر بنیان اجتهادی زنده و متحرک، پی‌نهادند؛ اکنون نیز می‌بایست فقه بر پایه اجتهادی همگام با زمان، استوار گردد. و هماهنگ با مقتضیات جدید زندگی، اصول کلی اسلام بر فروع مورد نیاز تطبیق پذیرد تا بتواند پاسخگوی مسایل کنونی بشر باشد. یکی از مباحثی که فقها همواره، مورد بحث و بررسی خود قرار داده‌اند مسأله قضا و قضاوت است. قضا و قضاوت قدمتی دیرینه دارد، جهان از آغاز، آوردگاهی بوده است میان داد و بیداد، ستم ستیزی و ستمبارگی؛ هیچ آرمانی، والا تر از دادگری نبوده است. امور قضایی و چگونگی حل و فصل دعاوی و منازعات مردم، واقعیت انکارناپذیر اجتماع بشری بوده و می‌باشد. در عصر جاهلیت، حکومت منظم و سیاست محکم و پادشاهان مقتدری وجود نداشت که با استفاده از نیروی تنفیذی خود، از تعدی و تجاوز اقویا نسبت به ضعفا، جلوگیری نماید. و در چنین محیط ستم پرور و عدالت شکن، اسلام بپاخواست و از مهمترین اهداف والایی که در سرلوحه کارها و برنامه‌هایش قرار داشت؛ استقرار عدالت به معنای وسیع کلمه و استمرار قسط، و زندگی مسالمت‌آمیز توأم با شرافت و آزادی و وجود امنیت و آرامش و تمهیدات لازم، به منظور پیشگیری از وقوع جرایم بود. اسلام برای نخستین بار، حق صریح و عدالت به معنای عام و صحیح را در جهان اجرا نمود. و

احکام و قوانین جامع و متینی از قرآن و سنت، به منظور حفظ جان و مال و عقل و آبرو و نسل مردم، تشریع نمود.

اهمیت قضا و دادرسی بر اهل بصیرت، پوشیده نیست. زیرا اساس بقای هر کشور و ملتی اجرای عدالت است. و عدالت از اهداف جامعه اسلامی است که به دست هر کس اجرا نمی‌شود. و مردم شایسته و صالح باید این بار بزرگ و مقدس را، به منزل برسانند. پیام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و خلیفه بلافصل ایشان، ایجاد قسط و عدل است و اینکه پرداخت چنین هنر سترگ را به دست بی‌هنران ناشایست و نابکار نسپاریم.

تداوم نقش هدایتگری دین آسمانی اسلام ایجاب می‌کند تا به تبیین راه حل‌های الهام گرفته از شرع مقدس، اقدام نماییم.

یکی از مسایل مذکور در عصر ما، که مورد اهتمام بلیغ و به جای اندیشمندان، قرار دارد جایگاه زن در نظام اجتماعی است. بالطبع اهمیت موضوع، دین داران را، بر آن می‌دارد؛ تا نسبت به جوانب مختلف مسأله، موضع خویش را روشن سازند. از این‌رو، متفکران دینی، به تناسب علایق و زمینه‌های تحقیقی خویش و جو موجود، به تحقیق و تألیف مبادرت کرده و می‌کنند.

گرچه هر شأنی از شئون انسانی، اعم از فردی و اجتماعی، جایگاه و اهمیت خاص به خود را دارد؛ لیکن برخی از آنها نسبت به بعضی دیگر از حساسیت و ویژگی برتری بهره داشته، و به همین جهت نیز در معرض حوادث و وقایع بیشتری واقعند.

در بین همه اموری که به انسان و جنبه‌های انسانی مرتبط است مسأله زن همواره با پیچیدگی و غموض بیشتر، همراه بوده است. حقیقتی که در طول تاریخ، فراز و نشیبهای فراوانی را تحمل کرده؛ و از زنده به گور شدن، تا خدایی کردن را به خود دیده است. تفاوت‌های جزئی و اندک در احکام شرعی زنان و مردان در اسلام، موجب آن شده است که برخی گمان کنند، دین مبین اسلام نیز همچون غربیان که در طول قرون وسطی شأن پایینی برای زن قایل بودند؛ زن را موجودی پست‌تر از مرد و ضعیف‌تر می‌داند؛ و بین زن و مرد تبعیض قایل شده است. و همین توهم، اعتراض‌ها و شورش‌هایی را نیز به نام تساوی حقوق زن و مرد، برانگیخته است. در حالی که این اختلاف‌های اندک، نه تبعیض بلکه تفاوت است. و براساس استعداد و توانایی‌های زن و به مقتضای خلقتش، تعیین شده است. و الا زن و مرد در جوهر انسانیت با یکدیگر مساوی هستند. خداوند متعال زن و مرد را به‌عنوان دو جلوه از نوع بشر در اصل خلقت، یکسان آفرید. و هیچگونه امتیاز و برتری از حیث تکوین، در یکی از آنها نسبت به دیگری قرار نداد. بلکه برای ادامه و بقای نسل بشر آن دورا به‌صورت زوج، و مکمل یکدیگر و تنها با تفاوت‌های اندکی آفرید.

از آنجا که مسأله جواز و عدم جواز قضاوت توسط بانوان، یکی از مسائل مطرح کنونی است؛ و دشمنان نیز آن را دستاویز حمله به اسلام و ارزش‌های آن قرار می‌دهند و در محافل فرهنگی و علمی داخل نیز مورد توجه بسیار قرار داد؛ حقیر را بر آن داشت که به نقد و بحث پیرامون این موضوع

بپردازم. البته هدف از طرح کتاب، تثبیت قطعی جواز قضاوت زنان نیست. بلکه رفع استبعاد از اصل جواز آن است و پی‌گیری و بررسی تفصیلی نظریه مرحوم محقق اردبیلی است، تا روشن گردد که جایگاه فقها و ارزش و قوت علمی این فتوا چه قدر است؟

www.ketab.ir